

اثربخشی آموزش‌های کسب و کار کشاورزی در کارآفرینی زنان روستایی

نسرین رحمتی^۱، ارسلان ایرجی راد^۲ و محمود منسوب بصیری^۳

۱- دانش آموخته کارشناسی‌ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، مؤسسه آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی سمنگان، آمل، ایران.

۲- استادیار مرکز آموزش عالی امام خمینی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران.

۳- استادیار مؤسسه آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی سمنگان، آمل، ایران.

چکیده

از آنجاکه زنان روستایی به واسطه محدودیت‌های موجود از فرصت‌های کمتری در رشد و توسعه کارآفرینی برخوردار هستند، این تحقیق به بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزش کشاورزی زنان روستایی سال‌های ۹۵-۹۶ در ایجاد کارآفرینی در بین زنان روستایی پرداخته است. این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش جمع‌آوری اطلاعات میدانی و از لحاظ کنترل متغیرها شبه آزمایشی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه می‌باشد. جامعه آماری ۹۷۰ تن از زنان روستایی عضو تعاونی زنان روستایی ساکن استان البرز است که سابقه شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی مرتبط با اشتغال و کسب و کار کشاورزی را داشتند. با استفاده از فرمول کوکران ۱۳۵ تن از آنان تعیین و برای افزایش دقت داده‌ها ۱۴۰ تن، به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای جمع‌آوری شد. به منظور ایجاد امکان مقایسه یک گروه ۱۴۰ تن از زنان روستایی بدون سابقه شرکت در دوره‌های آموزشی نیز استفاده گردید. روایی ابزار تحقیق با استفاده از نظر متخصصین و پایایی با استفاده از ضریب تتای ترتیبی ($\theta = 0/79 - 0/91$) مورد تایید قرار گرفت. نتایج آزمون فراسنجه‌ای من ویتنی حاکی از تفاوت معنی‌دار آماری از لحاظ ویژگی‌های کارآفرینانگی بین دو گروه آزمایش و کنترل بود. هم‌چنین افرادی که در دوره‌های کارآفرینانگی شرکت کرده بودند در دو مؤلفه موفقیت‌طلبی و تحمل ابهام نسبت به گروه کنترل نمره بالاتری کسب نمودند. تحلیل رگرسیون ترتیبی نیز نشان داد که ۶ متغیر نگرش به کار، سن، وضعیت اقتصادی، میزان درآمد، شرکت در دوره‌ها و رفتار اطلاع‌یابی در مجموع ۳۳ درصد از احتمال تغییر سطح متغیر وابسته ویژگی‌های کارآفرینانگی را تبیین می‌کنند ($R^2=0/33$).

نمایه واژگان: زنان روستایی، اثربخشی آموزشی، آموزش کسب و کار، کارآفرینی.

نویسنده مسئول: ارسلان ایرجی راد

رایانامه: airajirad28@gmail.com

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲

مقدمه

تغییر و تحولات سریع علم و فناوری در سال‌های اخیر، کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم را با چالش‌های جدیدی روبرو ساخته است که گذر از آن‌ها نیازمند به کارگرفتن رویکردها و روش‌های خلاقانه است. کارآفرینی فرایند خلق شیء‌های جدید و باارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش مورد نیاز، در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی همراه با رسیدن به پاداش‌های پولی، رضایت فردی و استقلال می‌باشد (متا، ۲۰۰۸). نقش کارآفرینی و وجود افراد کارآفرین در فرایند رشد و توسعه اقتصادی تعیین‌کننده است و شاید به همین دلیل اقتصاددانان، کارآفرینی را موتور رشد اقتصادی تعبیر کرده‌اند. کارآفرینی از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌برداری مناسب از آنها، ایجاد فرصت‌های اشتغال و تغییر در محیط زندگی می‌تواند به توسعه کمک کند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۲). پیتر دراگر در خصوص کارآفرینی چنین می‌گوید کارآفرینی یک علم است و هم‌چون علوم دیگر می‌توان آن را فرا گرفت (کیاکجوری و جعفریان، ۱۳۹۱). اگر چه تعریف‌های گوناگونی از کارآفرینی ارایه شده است اما صاحب‌نظران در مجموع کارآفرینی را فرآیند شناسایی فرصت‌های اقتصادی، ایجاد کسب و کار و شرکت‌های جدید، نوآور و رشد یابنده و مخاطره آمیز برای بهره‌برداری از فرصت‌های شناسایی شده می‌دانند که در نتیجه آن کالاها و خدمات جدیدی تولید و عرضه می‌شوند (اردمن و همکاران، ۲۰۰۵).

در نظریه‌های جدید توسعه روستایی از کارآفرینی روستایی به‌عنوان راهکاری مناسب برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت تغییر الگوی زندگی کنونی، کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی یاد می‌شود. در عین حال کارآفرینی ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار به شمار می‌رود (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی حضور زنان در بازار کار و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، به یکی از شناسه‌های مهم توسعه‌ی انسانی تبدیل شده است؛ زیرا فعالیت‌های

اقتصادی زنان، پیوندی مستقیم با فقر و رفاه اجتماعی دارد (فیض، ۱۳۸۸؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). در برنامه‌های توسعه تلاش می‌شود تا افزون بر این که مشارکت زنان در بازار کار افزایش یابد، شرایط لازم برای توسعه و کارآفرینی زنان نیز فراهم شود تا زنان با پدید آوردن کسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران، بتوانند مشکل کنونی جامعه را پایان بخشند (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). در همین راستا، ژبور (۲۰۰۹) کارآفرینی زنان را فعالیت زنانه دانسته که زمینه خوداشتغالی مشارکتی، خوداشتغالی مستقل، کارفرمایی و کسب و کارهایی با مالکیت انحصار صورت می‌گیرد (به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

در نظریه‌های توسعه‌ی پایدار روستایی، بر افزایش مشارکت و ایجاد فرصت‌های برابر به خصوص برای زنان روستایی، بسیار تأکید شده است (بشیراحسن و قربانی نژاد، ۱۳۹۶). زنان به‌عنوان یکی از عوامل غیرمشهود و نامرئی در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی در سطح جهان را تشکیل می‌دهند (خباززاده، ۱۳۹۰). آن‌ها نیرویی برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیش‌تر نرخ رشد تولید مواد غذایی هستند (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). شواهد موجود نشان می‌دهد زنان در زمان کوتاهی توانسته‌اند با ورود به عرصه کسب و کار، تحولات عظیمی در توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کنند. چنانچه آمارها نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی زنان، ۲۵ تا ۳۵٪ کل فعالیت‌های اقتصادی جهان را تشکیل می‌دهد (کانتور، ۲۰۰۲). زنان ۴۹ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. درحالی‌که نرخ مشارکت اقتصادی آن‌ها مطابق آخرین آمارهای موجود ۱۳/۴ است که با متوسط نرخ فعالیت اقتصادی زنان در جهان فاصله بسیار زیادی دارد. طبق آمار ایران از لحاظ برابری جنسیتی در میان ۱۴۴ کشور جهان در جایگاه ۱۳۹ قرار گرفته است. امتیاز ایران در شاخص شکاف جنسیتی سال ۲۰۱۶ (۰/۵۸۷) نسبت به سال قبل تا حدودی بهبود یافته است. هرچه این میزان به یک

پس از شرکت در برنامه‌های آموزشی افزایش پیدا کرده است که به نحوی می‌توان آنرا ناشی از بهبود ویژگی‌های کارآفرینانه و شکوفا کردن استعداد های زنان روستایی در این بخش دانست.

بهبود ویژگی‌های کارآفرینانه زنان روستایی سبب توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی کشور می‌شود که این امر به نوبه خود سبب افزایش اثربخشی آموزش‌های آرایه شده می‌شود. افزایش اثربخشی آموزش‌های زنان روستایی از لحاظ سازمانی نیز باعث می‌شود که در قبال هزینه‌های صورت گرفته در بحث آموزش، برون‌داد عملی آن‌ها را در محیط‌های روستایی مشاهده گردد. همچنین توسعه کارآفرینی روستایی در بین زنان باعث افزایش حس اعتماد به نفس آنان و استقلال آنان خواهد شد که این امر به نوبه خود اثرات اجتماعی مثبتی را سبب خواهد شد. هر ساله سازمان‌های دولتی بخصوص جهاد کشاورزی هزینه‌های زیادی را صرف برگزاری دوره‌های توانمندسازی زنان روستایی می‌کند. که تاکنون اثربخشی این فعالیت‌ها به ویژه از دید کارآفرینی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است.

احمدی (۱۳۹۸)، عامل‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی را مورد بررسی قرار دادند. طبق نتایج، توسعه کارآفرینی زنان روستایی امری پویا و چند وجهی بوده، نیازمند توجه همزمان به عوامل فردی چون نیروی انسانی خالق، حمایت‌های مالی و اقتصادی از زنان روستایی، عوامل فرهنگی و آموزشی و ارتقاء زیرساخت‌های محیطی در روستاهای کشور است.

احسانی فر و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیق خود ضعف تجهیزات و مشکل‌ها فرهنگی، نارسایی حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌های مرتبط را از جمله عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان لاهیجان ذکر کرده‌اند.

یافته‌های عبادی و جهان تیغی (۱۳۹۵)، در بررسی تأثیر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان شهر زاهدان، بیانگر آن است که دوره‌های آموزشی توانمندی آنان را از جنبه‌های مختلف؛ افزایش قدرت، توانایی ایجاد تغییر

(۱۰۰ درصد) نزدیک‌تر باشد، شکاف جنسیتی کاهش می‌یابد و جایگاه بالاتری را در میان سایر کشورهای کسب خواهد کرد (معاونت بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۹۶). مجمع جهانی اقتصاد، ایران را جزو گروه کشورهای دانیسته که سرمایه‌گذاری‌های مهمی برای آموزش زنان انجام داده‌اند، اما بازدارنده‌هایی بر سر راه مشارکت زنان در بازار کار وجود دارد، که رفع نکرده‌اند. بنابراین، نتوانسته‌اند بازده سرمایه‌گذاری خود را از نظر توسعه سرمایه انسانی خود مشاهده کنند.

تحقیقات در زمینه جنسیت در کارآفرینی نشان داده است که مشکل‌ها و بازدارنده‌ها موجود در مسیر کارآفرینی در میان زنان کارآفرین در جوامع مختلف بیش‌تر و جدی‌تر مطرح می‌باشند (برونی و همکاران، ۲۰۰۴). نرخ مشارکت پایین‌تر زنان ایرانی، در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه، به احتمال نشان‌دهنده‌ی وجود بازدارنده‌ها و مشکل‌ها بیش‌تر در این جامعه می‌باشد (میرحسینی، ۱۳۸۹). این مساله تا حد زیادی ناشی از مشکلات فرهنگی و نگرش‌های جنسیتی غالب در جامعه می‌باشد. یکی از ویژگی‌های فرهنگی-جنسیتی مهم در این زمینه، نگرش سنتی نسبت به زن می‌باشد. در این نگرش، زن به‌عنوان جنس دوم در نظر گرفته می‌شود که وظیفه‌ی اصلی او نگهداری و تربیت فرزندان است. نتیجه‌ی چنین نگرشی، نپذیرفتن زنان در فعالیت‌های خارج از خانه و تقسیم جنسیتی کارها به مشاغل مردانه و زنانه می‌باشد (همان منبع).

شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نبود تخصص و تجربه لازم در زمینه تدوین طرح کسب و کار، بازاریابی، دانش حقوقی؛ کمبود سرمایه شخصی و عدم تأمین اعتبار مالی مناسب جهت سرمایه‌گذاری؛ عدم دسترسی به اطلاعات به روز؛ نبود حمایت همه جانبه از آغاز تا پایان عملیاتی‌سازی ایده؛ ریسک‌پذیری پایین و ترس از شکست و بازدارنده‌های خانوادگی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی عملیاتی کردن ایده‌های کسب و کار از دیدگاه زنان روستایی است. در تحقیق پاپ زن و همکاران (۱۳۹۰)، مهارت کسب و کار زنان روستایی

و سطح کارآفرینی است. هم‌چنین بر مبنای نتایج تحلیل مسیر، متغیرهای وضعیت اقتصادی، ویژگی‌های شخصی و شرایط اجتماعی- فرهنگی زنان به ترتیب، بیش‌ترین تأثیرات را بر سطح کارآفرینی آن‌ها داشته است.

آقاجانی و همکاران (۱۳۹۲)، اثربخشی دوره‌های آموزشی کارآفرینی طرح‌های زود بازده بر کارآفرینان زن را تبیین و بررسی نمودند. نتایج نشان داد که اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی و همه ابعاد مورد بررسی یعنی: تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و آموزش مهارت‌ها، در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و یافته‌ها مدل معادلات ساختاری بیانگر تایید کلیت مدل‌ها و ارتباط معنی‌داری مؤلفه‌ها با اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی بود.

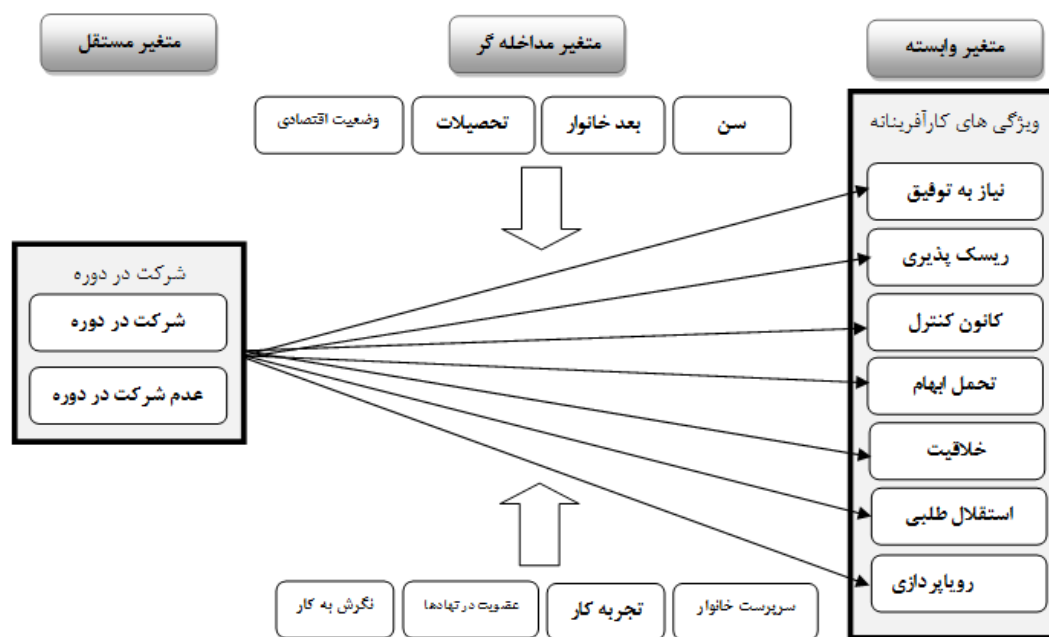
علیدوست و همکاران (۱۳۹۱)، بازدارنده‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار را مورد بررسی قرار دادند. براساس یافته‌های تحقیق مشخص شد که از میان بازدارنده‌های مورد مطالعه دو متغیر بازدارنده‌ی اقتصادی و آموزشی مهم‌ترین موارد بودند. در نهایت، کارآفرینی مفهومی پیچیده و چندبعدی است (کوراتکو و همکاران، ۲۰۰۷) و نظریه پردازان، برنامه‌ریزان و مجریان دولتی درصد آند تا با ارایه راهکارها و روش‌های جدید از بازدارنده‌های توسعه آن کاسته و به گسترش و فراگیر شدن کارآفرینی در بین تمامی اقشار جامعه از جمله زنان کمک کنند. در زمینه کارآفرینی نظریات و مکاتب گوناگونی وجود دارد. فرخی از متقدمان دیدگاهی طبیعت‌گرایانه به کارآفرینی داشتند و منشاء آن را ایجاد ثروت از طریق زمین می‌دانستند درحالی‌که کلاسیک‌ها عوامل اصلی ثروت کارآفرینی را نیروی کار، سرمایه و مواد اولیه معرفی کرده‌اند و شومپیتر پدر کارآفرینی، آن را نیروی محرکه اقتصاد میدانند (ورکیانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). در برخی دیدگاه‌ها نیز کارآفرینی صرفاً ناشی از ویژگی‌های روانشناختی موجود در برخی از افراد کارآفرین تلقی می‌شد. دسته دیگر اما معتقد به اثرگذاری عامل محیطی و روانشناختی بر کارآفرینی بودند. از دیدگاه مایا (۲۰۰۲)، کارآفرینی حاصل برخورد ویژگی‌های فردی

در جهت مطلوب، افزایش قدرت دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش قدرت توان انجام کار با تدبیر و روشهای بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، افزایش قدرت توان علمی مطلوب و افزایش قدرت اتکا به خود را در حد متوسطی افزایش دهد.

موحدی و سلیمانی بروجنی (۱۳۹۵)، به بررسی شیوه‌های آموزشی مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان روستایی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان آگاهی زنان مورد مطالعه پیرامون کارآفرینی در حد متوسط می‌باشد و بیش‌تر آن‌ها نگرش مثبتی نسبت به نقش آموزش در بهبود کارآفرینی داشتند. بر اساس نتایج شیوه‌های آموزشی مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی به ترتیب اهمیت در سه عامل آموزش‌های تخصصی کارآفرینی، استفاده از اطلاعات و تجارب کارآفرینان زن موفق و استفاده از رسانه‌ها و اینترنت دسته‌بندی شدند. به منظور توسعه کارآفرینی بین زنان روستایی استفاده از روش‌های آموزش عملی، زنان کارآفرین موفق هم‌چنین رسانه‌های نوین پیشنهاد می‌شود.

علیخانی داودکلایی و عباسی رستمی (۱۳۹۵)، در تحقیق خود اثر عامل آموزشی بر توسعه کارآفرینی در شرکتهای تعاونی زنان روستایی را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج توسعه کارآفرینی در شرکتهای تعاونی روستایی زنان استان گلستان از هر دو عامل آموزشی و روان‌شناختی تأثیر می‌پذیرد که میزان تبیین ۲۶ درصد است. مهم‌ترین عامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی، عامل روان‌شناختی بوده و عامل آموزشی نیز به در توسعه کارآفرینی تأثیر داشته است.

پژوهش موحدی و یعقوبی فرانی (۱۳۹۳)، با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی استان همدان انجام شد. جامعه آماری پژوهش زنان روستایی کارآفرین استان همدان بودند و یافته‌های پژوهش بیان‌کننده وجود رابطه معنادار بین ویژگی‌های شخصی، وضعیت اقتصادی و شرایط اجتماعی- فرهنگی زنان با سطح کارآفرینی آن‌ها و نیز نبود رابطه معنادار بین وضعیت خانوادگی



نگاره ۱- چارچوب نظری تحقیق

تهیه و تولید سرکه سیب، تولید جوانه‌های خوراکی، بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی، تولید و پرورش ماهیان زینتی، اصول تهیه عرقیات گیاهی، گل محمدی، تولید چپیس میوه، پرورش بلدرچین، نوغانداری، کارگاه آموزشی صندوق‌های خرد زنان روستایی و اصول تسهیل‌گری و ایجاد صندوق خرد زنان روستایی ویژه جامعه محلی بودند تا چه میزان توانسته باعث بهبود ویژگی‌های کارآفرینانه در زنان روستایی استان البرز شود؟

برای پاسخ به این سؤال ضمن بررسی پیشینه‌ی تحقیق چارچوب نظری تحقیق در نگاره‌ی ۱ نشان داده شده است. این تحقیق دارای متغیر وابسته ویژگی‌های کارآفرینانه زنان است که خود از مؤلفه‌های نشان داده شده تشکیل شده است. طبق بررسی‌های به عمل آمده می‌توان دسته‌ای از متغیرها که تحت عنوان متغیرهای مداخله‌گر نامید را بر توسعه ویژگی‌های کارآفرینانه زنان دخیل دانست. همچنین به منظور ارائه اطلاعات کامل از میزان اثربخشی آموزش‌های ارائه شده از رهیافت گروه آزمایش و کنترل بهره گرفته شده است.

کارآفرینان با محیطی است که در آن نشو و نما یافته‌اند (آرچیونگ، ۲۰۰۴). در این دیدگاه اگرچه ویژگی‌های شخصیتی بخش مهمی از عامل کارآفرینی و موفقیت در آن تلقی می‌شود اما به عوامل محیطی از جمله مهیا بودن شرایط و رایه آموزش‌ها و پرورش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه از طریق آموزش نیز توجه می‌شود.

آموزش یکی از عامل‌های مؤثر توسعه شخصیت کارآفرینی در بین زنان روستایی است. با در نظر گرفتن اهمیت ویژگی کارآفرینانه در بین زنان به منظور توسعه کارآفرینی روستایی، این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش است که برنامه‌های آموزشی و ترویجی کسب و کارهای کشاورزی زنان روستایی که شامل دوره‌های آموزشی از جمله تولید و پرورش قارچ خوراکی (صدفی)، تولید و پرورش قارچ خوراکی (دکمه‌ای)، راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه، کاشت و داشت و برداشت گیاهان دارویی، پرورش زنبور عسل، تولید زعفران، فرآوری محصولات باغی و زراعی، پرورش گل‌های آپارتمانی، فرآوری، بسته‌بندی و ثبت برند محصولات کشاورزی، پرورش مرغ بومی،

جدول ۱- پایایی ابزار تحقیق

مؤلفه	ضریب تتای ترتیبی
رفتار اطلاع یابی	۰/۸۷
نگرش به کار	۰/۷۹
توفیق طلبی	۰/۹۱
کانون کنترل درونی	۰/۸۶
خطرپذیری	۰/۸۳
تحمل ابهام	۰/۸۰
سلامت فکری	۰/۸۷
رویاپردازی	۰/۸۶
عمل گرایی	۰/۸۵
چالش طلبی	۰/۷۹

روش‌شناسی

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات میدانی و از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها شبه آزمایشی است که به روش علی-ارتباطی انجام شد. جامعه مورد پژوهش ۹۷۰ تن از زنان روستایی عضو تعاونی ساکن استان البرز بود که در دوره‌های آموزشی و ترویجی مرتبط با کشاورزی و اشتغال و کسب و کار در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ شرکت کردند. به منظور مقایسه و بررسی اثربخشی دوره‌های اجرا شده از ۱۴۰ زن روستایی خارج از جامعه آماری (برابر با گروه آزمایش) نیز که در این دوره‌ها شرکت نکرده‌اند به‌عنوان گروه کنترل استفاده گردید. تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران انجام شد که با استفاده از آن، حجم نمونه ۱۳۵ تن برآورد گردید که برای افزایش دقت، ۱۴۰ پرسش‌نامه تکمیل و داده‌های مورد نیاز از زنان روستایی جمع‌آوری شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای بود. به این صورت که مطابق با لیست دوره‌های آموزشی و ترویجی برگزار شده برای زنان در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶، چند دوره در مرحله اول انتخاب و از بین شرکت کنندگان در این دوره‌ها به‌صورت تصادفی، مطابق با حجم نمونه افراد انتخاب و داده‌ها از آن‌ها جمع‌آوری گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته بود. این پرسش‌نامه از بخش‌های مختلفی از جمله اطلاعات فردی و حرفه‌ای، رفتار اطلاع یابی، نگرش به کار،

وضعیت اقتصادی و ویژگی‌های کارآفرینانه تشکیل شده بود. در قسمت ویژگی‌های کارآفرینانه زنان از پرسش‌نامه کارآفرینی ایرانی بهره گرفته شد (کردنائیچ و همکاران، ۱۳۸۶) که این پرسش‌نامه مشتمل بر ۹۵ پرسش است و مقوله‌های ریسک پذیری، کانون کنترل، نیاز به موفقیت، سلامت فکری، عملگرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی را مورد سنجش قرار می‌دهد. برای امتیازبندی سوالات نیز از طیف ۵ درجه‌ای کاملاً مخالفم = ۲- تا کاملاً موافقم = ۲ بهره گرفته شد. همچنین در تفسیر نتایج نیز از نرم‌های چهار مقوله‌ای ویژگی‌ها (بسیار ضعیف، ضعیف، قوی و بسیار قوی) استفاده گردید. در این تحقیق، روایی ابزار سنجش با استفاده از نقطه نظر کارشناسان و پایایی ابزار با استفاده از ضریب تتای ترتیبی (جدول ۱) و تحت نرم‌افزار R محاسبه و مورد تایید قرار گرفت.

از نرم‌افزار آماری SPSSwin19 و EXCELL جهت پردازش داده‌ها استفاده شد و از دو دسته آمار توصیفی و آمار استنباطی شامل آزمون مقایسه‌ای من ویتی برای تحلیل تفاوت بین گروه کنترل و آزمایش در خصوص متغیرهای تحقیق، تحلیل هم‌بستگی به منظور بررسی ارتباط بین متغیرها و رگرسیون ترتیبی به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته تحقیق بهره گرفته شد.

یافته‌ها

دست پیدا می‌کنم، مایل هستم کسب و کاری را که الان دارم گسترش دهم و کار را به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب درآمد می‌دانم، اولویت‌های نخست را به خود اختصاص دادند.

هم‌چنین، گویه‌های؛ دسترسی آسان به نیروی انسانی ماهر مورد نیاز، فضای فیزیکی مناسب جهت شروع کار و امکان استفاده از کمک‌های مالی خانواده، دوستان و آشنایان، سه اولویت نخست را به خود اختصاص دادند.

در بخش آمار استنباطی به منظور بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزش زنان روستایی در ایجاد ویژگی‌های کارآفرینانه در بین زنان روستایی از مقایسه بین گروه کنترل و آزمایش بهره گرفته شد. در جدول ۲ نشان می‌دهد که از لحاظ ریسک‌پذیری، امکان کنترل و رویاپردازی، اختلاف معنی‌داری بین گروه آزمایش و کنترل وجود نداشت اما، از لحاظ موفقیت‌طلبی، تحمل ابهام، خلاقیت و استقلال‌طلبی تفاوت بین دو گروه از لحاظ آماری معنی‌دار بود بدین مفهوم که گروه آزمایش از سطح بالاتری از مؤلفه‌های ذکر شده برخوردار بودند. هم‌چنین از لحاظ میانگین ویژگی کلی کارآفرینی بین دو گروه اختلاف معنی‌دار آماری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. با توجه به وضعیت میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با ۹۵ درصد اطمینان ویژگی کارآفرینی زنان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی ترویجی بیش‌تر شده است و این آموزش‌ها در بهبود ویژگی کارآفرینانه زنان روستایی شرکت‌کننده مؤثر بوده است.

در ادامه به منظور بررسی تفاوت بین اثربخشی دوره‌های با محتوای کارآفرینانه (راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه) و دوره‌های صرفاً مهارتی از آزمون مقایسه‌ای من ویتنی بهره گرفته شد. جدول ۳ نشان می‌دهد افرادی که در دوره‌های با محتوای کارآفرینانه شرکت کرده بودند تنها در دو مؤلفه موفقیت‌طلبی و تحمل ابهام نمرات بالاتری کسب کردند و در سایر مؤلفه‌ها تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. هم‌چنین، از لحاظ میانگین کل نمره ویژگی کارآفرینانه اگرچه افرادی که در دوره‌های کارآفرینانه

براساس یافته‌های تحقیق، حدود ۱۵ درصد از پاسخگویان زیر ۲۰ سال سن، حدود ۱۸ درصد ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۵ درصد ۳۰ تا ۳۵ سال، ۳۸ درصد ۳۵ تا ۴۵ سال سن داشتند. میانگین سن زنان شرکت‌کننده در دوره‌ها نیز ۳۷/۹ سال محاسبه گردید. هم‌چنین میانگین سابقه کاری زنان شرکت‌کننده در دوره‌ها ۱۳/۴۸ سال محاسبه شد. از لحاظ سواد نیز ۱۰ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، حدود ۱۸ درصد در سطح ابتدایی، ۲۲ درصد راهنمایی، ۲۸ درصد دیپلم و حدود ۲۲ درصد لیسانس و بالاتر بودند. هم‌چنین ۹۰ درصد از زنان مورد بررسی، متاهل و تنها ۱۰ درصد مجرد بودند.

طبق نتایج، ۶۸ درصد از پاسخگویان شغل اصلی خانوارشان کشاورزی بود درحالی‌که ۳۲ درصد شغل اصلی غیرکشاورزی داشتند که از بین آنان حدود ۸۵ درصد به‌صورت تجاری محصولات کشاورزی را تولید می‌کنند و ۱۵ درصد نیز تنها برای معیشت خود مشغول به کشاورزی بودند. هم‌چنین از بین گروهی که خانوار آن‌ها شغل اصلی کشاورزی داشتند، ۶۹ درصد دارای مالکیت زمین شخصی بودند. حدود ۶۳ درصد از پاسخگویان دارای مهارت شغلی هستند درحالی‌که ۳۷ درصد بدون مهارت. از بین پاسخگویان مورد بررسی ۵۲ درصد در گذشته سابقه راه‌اندازی کسب و کار را داشتند و ۴۸ درصد نیز سابقه‌ای در این زمینه نداشتند.

رفتار اطلاع‌یابی از منابع‌های کسب اطلاعات پاسخگویان بررسی شد. برای سنجش این مهم از پاسخگویان خواسته شد که میزان استفاده روزانه خود از هرکدام از موارد زیر را از ۱=خیلی کم تا ۵=خیلی زیاد مشخص سازند. یافته‌ها نشان دادند که تلویزیون، رادیو و شرکت در گروه‌های کاری، اینترنت و مجلات و روزنامه به ترتیب بیش‌ترین میزان اطلاع را کسب نمودند.

به منظور رتبه‌بندی گویه‌های مربوط به مقیاس‌های تحقیق از ضریب تغییرات (CV) که حاصل تقسیم انحراف معیار بر میانگین است، بهره گرفته شد. سه گویه؛ با کار کردن به استقلال مالی

جدول ۲- مقایسه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در بین گروه آزمایشی و گواه (n=140)

ویژگی کارآفرینی	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	من ویتنی
ریسک پذیری	آزمایش	۰/۳۲	۰/۵۴۶	5565
	کنترل	۰/۱۵	۰/۴۰۰	
مکان کنترل	آزمایش	۰/۴۴	۰/۵۱۷	5225
	کنترل	۰/۱۱	۰/۴۴۴	
موفقیت طلبی	آزمایش	۰/۷۸	۰/۵۴۲	2606*
	کنترل	۰/۲۰	۰/۴۷۱	
تحمل ابهام	آزمایش	۰/۶۶	۰/۶۰۵	2228**
	کنترل	۰/۹۸	۰/۳۸۱	
رویاپردازی	آزمایش	۰/۱	۰/۳۹۸	5000
	کنترل	۰/۶۶	۰/۳۰۲	
خلاقیت	آزمایش	۱	۰/۵۵۵	3372**
	کنترل	۰/۳۳	۰/۴۳۶	
استقلال طلبی	آزمایش	۰/۹۶	۰/۵۱۱	3666**
	کنترل	۰/۵۰	۰/۴۱۳	
کارآفرینی	آزمایش	۰/۷۵	۰/۷۱۱	3373**
	کنترل	۰/۲۳۰	۰/۶۵۲	

جدول ۳- مقایسه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه شرکت کنندگان در دوره‌های کارآفرینی و مهارتی

ویژگی	دوره	شمار	میانگین	انحراف معیار	من ویتنی
موفقیت طلبی	کارآفرینانه	۴۷	۰/۹۳	۰/۵۰۶	2494**
	مهارتی	۹۳	۰/۴۵	۰/۵۰۳	
تحمل ابهام	کارآفرینانه	۴۷	۰/۲۵	۰/۶۰۴	2558**
	مهارتی	۹۳	۰/۸۲	۰/۴۵۳	
کارآفرینی	کارآفرینانه	۴۷	۰/۸۰۱	۰/۶۰۵	3270
	مهارتی	۹۳	۰/۶۹۰	۰/۵۵۵	

شرکت کرده بودند میانگین بالاتری را کسب نموده بودند اما این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نبود. هم‌بستگی متغیرهای تحقیق با متغیر ویژگی‌های کارآفرینی (جدول ۴) نشان داده که بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی زنان روستایی با سطح تحصیلات و تعداد افراد خانوار رابطه معنی‌داری وجود ندارد اما بین کارآفرینی با سن رابطه منفی معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. بین کارآفرینی با سابقه کار نیز رابطه مثبت معنی‌دار

در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. هم‌چنین بین تعداد فرزندان و کارآفرینی رابطه منفی معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. بین میزان درآمد و کارآفرینی نیز رابطه مثبت معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد وجود داشت هم‌چنین بین رفتار اطلاع‌یابی و کارآفرینی رابطه مثبت معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد مشاهده شد. بین نگرش به کار و وضعیت اقتصادی با کارآفرینی نیز رابطه مثبت معنی‌دار در سطح ۹۵ و ۹۹ درصد اطمینان به ترتیب مشاهده شد.

در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. هم‌چنین بین تعداد فرزندان و کارآفرینی رابطه منفی معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. بین میزان درآمد و کارآفرینی نیز رابطه مثبت معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد مشاهده شد. بین نگرش به کار و وضعیت اقتصادی با کارآفرینی نیز رابطه مثبت معنی‌دار در سطح ۹۵ و ۹۹ درصد اطمینان به ترتیب مشاهده شد.

جدول ۴- هم‌بستگی متغیرهای تحقیق با متغیر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی

متغیر	نوع آزمون	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی داری
سطح تحصیلات	اسپیرمن	۰/۱۰۳	۰/۱۳۲
سن	اسپیرمن	-۰/۱۶۲*	۰/۰۳۲
تعداد افراد خانوار	اسپیرمن	ns-۰/۰۴۴	۰/۵۸۳
سابقه کار	اسپیرمن	۰/۱۵۲*	۰/۰۴۲
تعداد فرزندان	اسپیرمن	-۰/۰۶۹*	۰/۵۲۲
میزان درآمد	اسپیرمن	۰/۱۲۸*	۰/۰۲۴
رفتار اطلاع یابی	اسپیرمن	۰/۱۸۲*	۰/۰۱۴
نگرش به کار	اسپیرمن	۰/۱۴۲*	۰/۰۱۹
وضعیت اقتصادی	اسپیرمن	۰/۲۹۹**	۰/۰۰۰

عدم ارتباط معنی دار ns *معنی داری در سطح پنج درصد **معنی داری در سطح یک درصد

جدول ۵- نتایج آزمون نسبت احتمال

model	Log likelihood	Chi-square	Df	Sig
Intercept only	۸۸/۱۲۳	۶۸/۴۴	۵	۰/۰۰۰

مؤلفه‌های میزان درآمد، نگرش به کار، وضعیت اقتصادی، شرکت در دوره‌ها، رفتار اطلاع یابی و سن می‌توانند بخشی از احتمال تغییرپذیری سطح ویژگی‌های کارآفرینانه زنان روستایی را تبیین کنند. در جدول ۸ برآورد میزان احتمال نتایج آماره والد تأثیر رگرسیونی هریک از متغیرهای مؤثر را نشان می‌دهد.

براساس یافته‌ها، متغیرهای میزان درآمد، شرکت در دوره‌ها و نگرش به کار اهمیت بیش‌تری نسبت به دیگر متغیرها در تبیین ویژگی کارآفرینانه زنان روستایی داشت. براین اساس شاخص برآورد متغیر میزان درآمد ۱/۴۴۳ محاسبه شده است که بیانگر آن است که در صورت ثابت ماندن تأثیر متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در این متغیر موجب افزایش ۱/۴۴۳ واحدی در نسبت لگاریتم متغیر ویژگی کارآفرینانه می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که زنان حدود نیمی از جمعیت هر کشوری را تشکیل می‌دهند، می‌توانند به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کنند. مطالعات نشان می‌دهند که علی‌رغم صعودی بودن نرخ مشارکت

چنان که در بخش روش‌شناسی بیان شد، برای تبیین نقش عوامل مؤثر بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی زنان روستایی و با توجه به ترتیبی بودن متغیر وابسته، از رگرسیون ترتیبی بهره گرفته شد. در استفاده از رگرسیون ترتیبی ضروری است پیش از بررسی میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته، برازش مدل رگرسیونی مورد توجه قرار گیرد. برای این منظور نتیجه آزمون نسبت احتمال در جدول ۵ نشان داده شده است. مقدار کای اسکویئر محاسبه شده ($44/68=x^2, p=0/000$) نشان می‌دهد، مدل لجیت مناسب بوده و متغیرهای مستقل به خوبی احتمال تغییر متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

یافته‌های حاصل از رگرسیون ترتیبی در جدول ۸ نشان می‌دهد که شش عامل شناسایی شده در مجموع ۳۳ درصد از احتمال واریانس ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه را تبیین می‌کند. مقدار سه ضریب تعیین کاکس و اسنل، ناگل کرک و مک فادن که به ضریب تعیین دروغین شناخته می‌شوند به ترتیب ۰/۳۳۰، ۰/۳۳۲ و ۰/۱۵۴ محاسبه شد که بیانگر میزان توانایی متغیرهای مستقل در تبیین احتمال تغییرپذیری سطح متغیر وابسته هستند. با توجه به این آماره می‌توان نتیجه گرفت که

جدول ۶- نقش عوامل مؤثر بر ویژگی‌های کارآفرینانه زنان روستایی

متغیر	برآورد	S. E	Wald	p
نگرش به کار	۱/۲۲۱	۰/۳۷۴	۶/۱۱۶	۰/۰۰۰
سن	۰/۶۵۰	۰/۲۸۱	۲/۸۳	۰/۰۰۳
وضعیت اقتصادی	۰/۹۹۰	۰/۳۴۲	۶/۴۲۴	۰/۰۰۵
میزان درآمد	۱/۴۴۳	۰/۴۲۱	۶/۸۳۱	۰/۰۰۴
شرکت در دوره‌ها	۱/۳۳۳	۰/۶۱۲	۴/۸۹۸	۰/۰۰۳
رفتار اطلاع‌یابی	۱/۱۲۹	۰/۶۰۰	۵/۲۳۴	۰/۰۰۳

R2 Cox and Snell = 0/330 R2 Nagelkerke = 0/332 R2 McFadden = 0/154

خلاقیت و نوآوری به راه انداخته یا پذیرفته و با پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اداری و مالی و ریسک‌های مالی، فرآورد ه‌های تازه‌ای عرضه کرده تا در بازار خرید و فروش بر رقیبان چیره شود (گلرد، ۱۳۸۷). در کشورهای رو به توسعه، زنان امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعه کشورهای خود محسوب می‌شوند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد میکند. زنان به دلایل متعددی نظیر بیکاری و کاهش دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی وارد کارآفرینی می‌شوند. با توجه به آمارهای رسمی اخیر، سهم اشتغال زنان فقط ۱۰ درصد است و نرخ بیکاری در میان زنان خصوصاً نیروی تحصیل کرده افزایش قابل توجهی داشته است (میزر و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به اهمیت ویژگی‌های کارآفرینانه در بین زنان روستایی جهت توسعه اشتغال و کسب کار در تحقیق حاضر مشخص شد که اکثریت زنان از ریسک‌پذیری پایین و بسیار پایینی برخوردارند. یکی از دلایل ریسک‌پذیری پایین زنان روستایی را می‌توان عوامل محیطی دانست. عوامل محیطی نقش بسیار مهمی را نسبت به عوامل فردی عهده‌دار است، چرا که ویژگی‌های شخصیتی و توانمندی‌های روانی بسیار متأثر از عوامل محیطی است. وضعیت اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، دینی، سیاسی و اقتصادی جامعه مطمئناً نقش به‌سزایی را در تقویت یا تضعیف فعالیت‌ها در امور متفاوت دارد. در حوزه اشتغال زنان و فراتر از آن خود اشتغالی آنها، بازدارنده‌های محیطی بسیاری را می‌توان برشمرد. از

زنان در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله کارآفرینی، هنوز در برخی کشورها زنان سهم اندکی در این فعالیت‌ها دارند. از طرفی اکثر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نیز متمرکز بر انگیزه‌ها و مشکل‌ها و بازدارنده‌های زنان کارآفرین می‌باشند. بر اساس این مطالعات، زنان کارآفرین به نسبت مردان کارآفرین با مشکل‌ها بیش‌تری مواجه می‌باشند (بشیراحسن و قربانی نژاد، ۱۳۹۶). آنچه به نظر می‌رسد در این تحقیقات نادیده گرفته شده است، این است که چه عواملی می‌توانند به زنان، خصوصاً زنان روستایی کمک کند و کارآفرینی را توسعه دهند. یکی از عواملی که در این رابطه که می‌تواند منجر به حفظ یا افزایش انگیزه زنان کارآفرین گشته و به آنها کمک کند تا بر بازدارنده‌های موجود غلبه نمایند، آموزش و یادگیری است. چراکه نهایتاً یادگیری نقش حیاتی در آموزش ایفا می‌کند (ایرجی راد و ملک زاده نصرآبادی، ۱۳۹۶). آموزش کارآفرینی و اشتغال می‌تواند با افزایش سطح دانش و مهارت زنان و هم‌چنین بهبود نگرش آنان به کسب و کار موجب افزایش انگیزه و جهت‌دهی کارآفرینانه فعالیت‌ها گردد. از اینرو هدف تحقیق حاضر بررسی اثربخشی دوره‌های آموزشی ترویجی بر ویژگی‌های کارآفرینانه زنان روستایی استان البرز بود.

در تحقیق حاضر میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۸ سال بود. در تحقیق علیخانی دادوکیانی و عباسی رستمی (۱۳۹۵) این میانگین ۳۲ سال محاسبه شد. پروفیسور لای (۱۹۹۵)، زنان کارآفرین را چنین تعریف می‌کند: "زن کارآفرین کسی است که به تنهایی یا با مشارکت یا با ارثیه‌ای، کاری را با

استنباط نمود که روحیه کارآفرینی زنان تحت تأثیر سطح تحصیلات قرار ندارد.

طبق نتایج از لحاظ میانگین کل کارآفرینی اختلاف معنی‌دار آماری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود داشت و گروه زنانی که سابقه شرکت در دوره‌های آموزشی را داشتند از سطح ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه بالاتری برخوردار بودند. همسو با تحقیق حاضر در تحقیق علی‌خانی دادو کیانی و همکاران (۱۳۹۵) توسعه کارآفرینی زنان روستایی از عامل آموزشی و روان شناختی تأثیر پذیرفته است. این یافته بیانگر این است که کارآفرینی زنان روستایی تنها از طریق تجربه به دست نمی‌آید، بلکه کارآفرینی می‌تواند با بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی فراگرفته شود، تدریس گردد و مزایایی حاصل از فعالیت‌های کارآفرینانه به زنان روستایی اطلاع‌رسانی و ترویج شود. از سویی، آموزش کارآفرینی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی توسط کارآفرینان موفق و اجرای کلاس‌های کوتاه مدت توسعه مهارت‌های کارآفرینی قابل انجام و تحقق است. این موارد با یافته‌های مطالعات جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲)، گلدوست و همکاران (۱۳۹۳) و زارعی پهنه کلایی و همکاران (۱۳۹۲) همسو بود.

لحاظ کانون کنترل نتایج این تحقیق با بخشی از نتایج مطالعات مک کله لند (۱۹۶۱) در ارتباط با ویژگی شخصیتی توفیق طلبی کارآفرینان و مطالعات هنسمارک (۲۰۰۳) که استقلال طلبی، نیاز به پیشرفت و کانون کنترل درونی را از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان برمی‌شمرد، هم‌خوانی دارد.

نتایج تحقیق نشان داد که در بیش‌تر ابعاد ویژگی‌های شخصیتی سطح ابعاد در بین زنان پایین می‌باشد. بنابراین می‌توان از طریق آموزش و مشاوره این ضعف‌ها را مرتفع نمود و افراد را آماده ورود به دنیای کارآفرینی کرد. نتیجه تحقیق نشان داد که بین سن و روحیه کارآفرینی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان بیان نمود که زنان روستایی که سابقه شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی را داشتند هرچقدر جوان‌تر بودند دارای ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه بالاتری بودند. این یافته با نتایج تحقیق ده یوری (۱۳۸۵)، یعقوبی و قاسمی (۱۳۸۸)، همسو بود. از این رو می‌توان به اهمیت جوان‌گرایی و ارایه‌ی آموزش‌های ترویجی و کارآفرینی به ویژه به جوانان برای اشتغال پی برد. در رابطه با متغیر تحصیلات نیز نتایج حاکی از آن است که رابطه معنی‌داری بین سطح تحصیلات و کارآفرینی وجود نداشت. از این نتایج می‌توان چنین

منبع‌ها

- احسانی فر، ت.، شاهمرادی، م.، مرادیان، پ.، رستمی قبادی، ف.، فرحمند، ک. (۱۳۹۷). بازدارنده‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: زنان کارآفرین شهرستان لاهیجان). نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۵ (۱)، ۹۳-۱۰۶
- احمدی، س.، کوهستانی، ح.، یادآور، ح.، شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۹). فراتحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی. فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۸ (۱)، ۲۱-۳۸
- ایرجی راد، ا.، ملک زاده نصرآبادی، ا. (۱۳۹۶). تأثیر آرزوهای شغلی از طریق یادگیری فردی بر انتخاب شغل دانشجویان رشته‌ی کشاورزی. فصل‌نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۴۰، صص ۱۱۲-۱۲۲
- آقاجانی، ح.، صمدی میارکلایی، ح.، صمدی میارکلایی، ح. (۱۳۹۲). تبیین و بررسی اثربخشی دوره‌های آموزشی کارآفرینی طرح‌های زود بازده بر کارآفرینان زن. فصل‌نامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۴ (شماره ۱۵)، ۱-۲۸.
- بابایی، م.، نیک نامی، م.، ثمری، د. (۱۳۹۲). ویژگی‌های کارآفرینی زنان روستایی در تعاونی‌های استان سمنان. فصل‌نامه تعاون و کشاورزی، ۲ (۵)، ۶۹-۸۶.

- بشیراحسن، م.، قربانی نژاد، ر. (۱۳۹۶). نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی مطالعه موردی: دهستان خرمود واقع در شهرستان تویسرکان. فصل نامه جغرافیایی سرزمین، سال چهاردهم، شماره ۵۴: صص ۹۳-۱۰۷
- جمشیدی، ع.، جمینی، د. نظری سرمایه، ح. (۱۳۹۲). بررسی عوامل پیش برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان). ۴ (۲)، ۱۳۷-۱۶۷
- خباززاده، ن. (۱۳۹۰). جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه دهیاری‌ها، ۶ (۳۳): ۱۲-۱۵
- زارعی پهنه کلائی، ح.، احمدپور، ا.، چرمچیان لنگرودی، م. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی روستایی زنان استان مازندران. فصل نامه تعاون و کشاورزی، ۲ (۷)، ۷۹-۱۰۰
- شاهمردی، م.، احسانی فر، ت.، فرحمنند، ک.، رستمی، ف و صحرایی، م. (۱۳۹۷). واکاوی چالش‌های فراروی عملیاتی کردن ایده‌های کسب و کار از دیدگاه زنان روستایی (مورد: استان کرمانشاه). فصل نامه پژوهش‌های روستایی، ۹ (۴)، ۵۶۳-۵۵۲
- عبادی، س.، جهان تیغی، م. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان مطالعه موردی: کارآموزان مرکز شماره سه خواهران شهر زاهدان. پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی مهارت آموزی و اشتغال. سازمان فنی و حرفه‌ای کشور.
- علیخانی دادوکلائی، م.، عباسی رستمی، ع. ا. (۱۳۹۵). بررسی اثر عامل‌های آموزشی و روان شناختی بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی روستایی زنان استان گلستان. فصل نامه تعاون و کشاورزی، ۵ (۲۰)، ۱۷۱-۱۹۴
- علیدوست، س.، لشگرآرا، ف.، فرج اله حسینی، ج. (۱۳۹۱). اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال، <https://www.civilica.com/Paper-KNOWLEDGEBASE01-167.html>
- فیض، د. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر جنسیت بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان: بررسی دانشگاه سمنان، مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان، ۷ (۲): ۴۴-۲۵
- کردنائیج، ا.، زالی، م. (۱۳۸۶). ابزار سنجش کارآفرینان ایرانی. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- کیاکجوری، د.، جعفریان، س. (۱۳۹۱). بررسی نقش نظام مدیریت منابع انسانی در توسعه کارآفرینی سازمانی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- گلدوست، م.، الهیاری، م.، ص.، عابدی، م. (۱۳۹۳). غربال‌گری فازی بازدارنده‌های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی در استان گیلان. مجله پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۶، شماره ۳۰: صص ۴۳-۳۱
- گلرد، پ. (۱۳۸۷). بهره‌وری زنان کارآفرین ایرانی. فصل نامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۶، ص. ۲۰۹-۱۷۹.
- معاونت بررسی اقتصادی، صنایع معادن و کشاورزی تهران. (۱۳۹۶). بازتاب مشارکت اقتصادی پایین زنان در شکاف جنسیتی ایران.
- ممیز، آ.، قاسمی، ع. قاسمی، ف. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان. فصل نامه تخصصی رشد فناوری پارکها و مراکز رشد. سال نهم، شماره ۳۵
- موحدی، ر.، یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱۲ (۴)، ۷-۴۲. doi: 10.22051/jwsp. 2015.1493
- موحدی، ر.، سلیمانیان بروجنی، ج. (۱۳۹۵). بررسی شیوه‌های آموزشی مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان روستایی. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۳ (۶)، ۳۴-۲۴

میرحسینی، م. (۱۳۸۹). شناسایی استراتژی‌های رهبری خود در زنان کارآفرین موفق ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد MBA، دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده مدیریت و اقتصاد
 ورکیانی‌پور، ن.، حسینی، م.، سمیعی، ر.، اشرفی، م. (۱۳۹۸). ارایه مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی در استان گلستان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۹ (۵۴)، ۱۶۶-
 یعقوبی فرانی، ا.، سلیمانی، ع.، موحدی، ر. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. سال ۱۲، شماره ۴، صص ۴۲-۷
 یعقوبی، ج. و قاسمی، ج. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینان بخش کشاورزی و راه‌کارهای حمایت از آنها (مطالعه موردی استان زنجان). مجله تعاون، ۵۴ (۳-۴)، ۲۳-۳۴.

- Archibong, C. A (2004): Thechnology, infrastructure and entrepreneurship: Role of the government in bulding a sustainable economy, School of Business and Economics North Caroliana & T State University. PP: 451-456.
- Bruni, A., Gherardi, S., & Poggio, B. (2004). Entrepreneur-mentality, Gender and the study of women entrepreneurs. Journal of Organizaitonal Change Management, 17 (3), 256-268.
- Erdman, D. & Dennis E. Coates. (2005). "The Genesis of Train-to-Ingrain." Interview (Audio). Retrieved from (<http://www.train-to-ingrain.com/resources/genesis.asp>).
- Kantor, P, (2002). Promoting Women s Entrepreneurship Development Based on Good Practice Programmes: Some Experience From the North to the South. ILO S In Focus Programme, Working paper, 9: 79.
- Kuratko, D. F. (2007). Entrepreneurial leadership in the 21st century: Guest editor's perspective. Journal of Leadership & Organizational Studies, 13 (4), 1-11.

The Effectiveness of Agricultural Business Education on Rural Women Entrepreneurship

N. Rahmati¹, A. Irajirad², and M. M. Basiri³

1- Graduated of master of Human Resource Education and Resource Improvement, Non-profit Institution of Higher Education samangan, Amol, Iran.

2- Assistant Professor Imam Khomeini Higher Education Center, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Karaj, Iran.

3- Faculty member of Samangan Non-profit Higher Education Institution, Amol, Iran.

Abstract

Since rural women have fewer opportunities to grow and develop entrepreneurship due to existing constraints, this study investigated the effectiveness of agricultural education programs for rural women in creating entrepreneurship among rural women in 1996-95. The purpose of this study is applied, in terms of field data collection method and in terms of quasi-experimental variables control using questionnaire. The population of the study was 970 rural women members of rural women cooperatives in Alborz province who had previous training and extension courses related to employment and agricultural business. Using Cochran formula, 135 of them were identified and 140 individuals were selected by quota sampling to increase the accuracy of the data. Rural women with no background in training were also used to compare a group of 140 people. The validity of the research instrument was confirmed by expert opinion and the reliability was confirmed by ordinal theta coefficient ($\theta = 0.79 - 0.91$). Results of Mann-Whitney nonparametric test indicated a statistically significant difference in entrepreneurial characteristics between the experimental and control groups. Individuals who participated in entrepreneurship courses also scored higher on the two components of success and ambiguity than the control group. Sequential regression analysis also showed that 6 variables of attitude, work, age, economic status, income, participation in courses and information seeking behavior explained 33% of the probability of changes in the level of dependent variable of entrepreneurial characteristics ($R^2=0.33$).

Index Terms: rural women, educational effectiveness, business education, entrepreneurship.

Corresponding Author: A. Irajirad

Email: airajirad28@gmail.com

Received: 23/12/2018

Accepted: 21/09/2019